



Evaluation Indicators of Cultural Identity Policy in Afghanistan

Mohammad Reza Rahimi¹

Abstract

Cultural identity is a vital foundation for social cohesion and sustainable development in multi-ethnic societies such as Afghanistan. To achieve this, policies need to be carefully designed and systematically evaluated. This study explores the key question: "What are the main indicators for evaluating cultural identity policies in multi-ethnic societies, and how can they be effectively applied?" The research assumes that coherent indicators tailored to cultural diversity can support the preservation of cultural identity and help reduce social tensions.

The study aims to identify and analyze evaluation indicators for cultural identity policies across three stages: policy design, implementation, and assessment. Using a descriptive-analytical approach and reliable sources, it highlights indicators such as alignment with religious and ethnic values, stakeholder participation, contextual relevance, provision of supportive infrastructure, and multi-level smart monitoring.

The findings suggest that these indicators strengthen the compatibility of policies with cultural diversity, safeguard both tangible and intangible heritage, and reduce the risk of conflict. However, challenges such as insecurity, weak infrastructure, and poor institutional coordination undermine effective policy implementation. The study recommends the use of digital technologies and stronger local engagement to improve monitoring and evaluation, thereby ensuring the sustainability of cultural identity in Afghanistan.

Keywords: Cultural identity, cultural policy, evaluation, indigenous indicators, social cohesion, Afghanistan.

¹. Adjunct Faculty and Researcher, International Research Institute, Al-Mustafa International University. rahimireza11388@gmail.com

✓ **Received:** 06/07/2025; **Accepted:** 03/08/2025; **Published:** Summer 2025

Citation for this article: Rahimi¹ Mohammad Reza (2025) Evaluation Indicators of Cultural Identity Policy in Afghanistan. Scientific-Research Quarterly of Political & International Studies 2 (6), pp. 64-94



شاخص‌های ارزشیابی خط‌مشی هویت فرهنگی در افغانستان

محمد رضا رحیمی^۱

چکیده

هویت فرهنگی به‌عنوان پایه‌ای برای انسجام اجتماعی و توسعه پایدار در جوامع چندقومیتی مانند افغانستان، نیازمند خط‌مشی‌های دقیق و ارزیابی شده است. این پژوهش با این سؤال اصلی که «شاخص‌های کلیدی ارزشیابی خط‌مشی‌های هویت فرهنگی در جوامع چندقومیتی چیست و چگونه می‌توان آن‌ها را به‌طور مؤثر اجرا کرد؟» به بررسی این موضوع پرداخته است. فرضیه تحقیق این است که شاخص‌های متنسجم و متناسب با تنوع فرهنگی می‌توانند به حفظ هویت فرهنگی و کاهش تعارضات اجتماعی کمک کنند. هدف پژوهش، شناسایی و تحلیل شاخص‌های ارزشیابی خط‌مشی‌های هویت فرهنگی در سه مرحله طراحی، اجرا و ارزیابی است. این مطالعه با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع معتبر، شاخص‌هایی نظیر انطباق با ارزش‌های دینی و قومی، مشارکت ذی‌نفعان، تناسب زمانی و مکانی، بسترسازی نرم و سخت، و نظارت چندسطحی و هوشمند را شناسایی کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که این شاخص‌ها با تقویت سازگاری سیاست‌ها با تنوع فرهنگی، به حفظ میراث ملموس و ناملموس و کاهش تعارضات اجتماعی کمک می‌کنند. با وجود این، چالش‌هایی مانند ناامنی، ضعف زیرساختی و ناهماهنگی بین‌نهادی، اجرای مؤثر این خط‌مشی‌ها را تهدید می‌کند. پیشنهاد می‌شود با بهره‌گیری از فناوری‌های دیجیتال و تقویت مشارکت محلی، نظارت و ارزیابی خط‌مشی‌ها بهبود یابد تا پایداری هویت فرهنگی در افغانستان تضمین شود.

واژگان کلیدی: هویت فرهنگی، خط‌مشی فرهنگی، ارزشیابی، شاخص‌های بومی، انسجام اجتماعی، افغانستان.

۱. استاد همکار و پژوهشگر پژوهشگاه بین‌المللی جامعه المصطفی العالمیه؛ rahimireza11388@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۸؛ تاریخ انتشار: تابستان ۱۴۰۴

استناد به این مقاله: رحیمی، محمد رضا (۱۴۰۴) شاخص‌های ارزشیابی خط‌مشی هویت فرهنگی در افغانستان، فصلنامه

علمی-تحقیقی مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۲ (۶) صص ۶۴-۹۴

مقدمه

هویت فرهنگی به‌عنوان مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها، سنت‌ها، زبان‌ها، نمادها و الگوهای رفتاری مشترک که یک گروه یا جامعه را تعریف می‌کند، در جوامع چندقومیتی مانند افغانستان نقش محوری در انسجام اجتماعی و بازسازی پسمانزعه ایفا می‌کند (Barth, 1969). هویت فرهنگی شامل میراث و بناهای تاریخی، ادبیات کلاسیک، تنوع قومیتی و شیوه‌های زندگی محلی است که از طریق آیین‌ها، زبان‌ها و روایت‌های جمعی شکل گرفته‌اند (Dupree, 2002). این هویت، تحت تأثیر عوامل گوناگون تاریخی مانند اشغال‌های خارجی و درگیری‌های داخلی، دستخوش بحران‌هایی شده که گاه هویت‌های قومی و مذهبی را در برابر هویت ملی قرار داده است (Schetter, 2002).

خط‌مشی‌های عمومی مرتبط با هویت فرهنگی - از جمله سیاست‌های حفظ میراث تاریخی و اسلامی، آموزش چندزبانه و تقویت انسجام ملی - در چنین زمینه‌ای، ابزارهای کلیدی برای بازسازی اجتماعی و کاهش تعارضات اجتماعی و قومیتی هستند. درعین‌حال، موفقیت این خط‌مشی‌ها به فرایندهای ارزشیابی دقیق مبتنی بر شاخص‌های مناسبی برای سنجش اثربخشی، پایداری و انطباق با واقعیت‌های محلی وابسته است. ارزشیابی خط‌مشی‌های عمومی، به‌عنوان حوزه میان‌رشته‌ای در علوم سیاسی و مدیریت عمومی، بر مدل‌هایی مانند چرخه سیاست‌گذاری^۱ استوار است که مراحل طراحی، اجرا و ارزیابی را دربرمی‌گیرد (Howlett et al., 2017).

در مورد هویت فرهنگی، ارزشیابی باید از معیارهای کمی مانند بودجه تخصیص‌یافته فراتر رفته و جنبه‌های کیفی مانند مشارکت اجتماعی و تناسب فرهنگی را در نظر بگیرد. در افغانستان، سیاست‌های فرهنگی پس از ۲۰۰۱، با وجود سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی، به دلیل فقدان شاخص‌های ارزشیابی بومی شده، اغلب نتوانسته‌اند تنوع فرهنگی را به‌طور مؤثر حفظ کنند (Giustozzi, 2012). بررسی ادبیات نشان می‌دهد که مطالعات موجود بیشتر بر جنبه‌های توصیفی هویت فرهنگی تمرکز داشته و کمتر به شاخص‌های ارزشیابی خط‌مشی پرداخته‌اند (Nurzhan, 2013; BTI, 2024).

¹. Policy Cycle

این مقاله با هدف معرفی و تحلیل شاخص‌های ارزشیابی خط‌مشی هویت فرهنگی در افغانستان، بر مراحل طراحی (مشارکت ذی‌نفعان)، اجرا (تناسب زمانی و مکانی، بسترسازی نرم و سخت) و ارزیابی (نظارت چندسطحی، مستمر و هوشمند) تمرکز دارد. این شاخص‌ها بر پایه اصول ارزشیابی مشارکتی و داده‌محور تدوین شده و با روش توصیفی-تحلیلی و ارجاع به منابع معتبر مانند گزارش‌های بانک جهانی بررسی می‌شوند (World Bank, 2021). این شاخص‌ها می‌توانند با تقویت انطباق سیاست‌ها با تنوع فرهنگی، به کاهش تعارضات و ارتقای پایداری اجتماعی کمک کنند. در این نوشتار بعد از مرور ادبیات و معرفی چارچوب نظری، روش تحقیق و سپس شاخص‌های ارزشیابی خط‌مشی هویت فرهنگی ارایه و تحلیل می‌شوند.

الف) پیشینه نظری تحقیق

به لحاظ نظری موضوع «ارزشیابی خط‌مشی هویت فرهنگی در افغانستان» در بحث فرهنگ، ارزشیابی و ارزشیابی خط‌مشی فرهنگی ریشه دارد. در این خصوص الگوها و مباحث نظری گوناگونی از سوی اندیشمندان ارایه شده است.

ب) چیستی هویت فرهنگی

هویت مفهومی است که براساس متعلق و مضاف‌الیه خود معنا می‌یابد. برای مثال، هویت ملی، مطابق مفهوم ملت، تعریف می‌شود. به این ترتیب، هویت فرهنگی براساس مفهوم فرهنگ معنا پیدا می‌کند. حوزه فرهنگی هر جامعه، انتزاعی‌ترین چشم‌اندازهای آینده‌محور آن است که به‌سوی تعیین آفاق، تحقق دانایی و گسترش بصیرت هدایت می‌شود (پورعزت، ۱۳۸۸، ص ۷۸). فرهنگ، عرصه‌ای است که عمیق‌ترین تعاملات باورها، ارزش‌ها، هنجارها، ساخته‌ها، مصنوعات، نشانه‌ها و نمادهای انتخابی اعضای جامعه را دربرمی‌گیرد (Hatch, 1997, p. 363؛ پورعزت، ۱۳۸۸، ص ۹۶). در اصطلاح، فرهنگ تعاریف متعددی دارد. به گفته بابایی، بیش از سه‌صد تعریف برای فرهنگ ارایه شده است (۱۳۹۱، ص ۱۵۲).

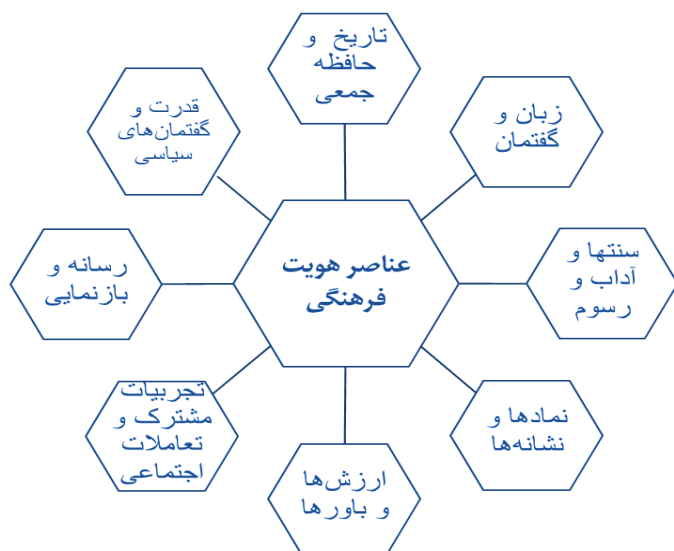
به نظر لاندري، سیالیت مهم‌ترین ویژگی فرهنگ است؛ یعنی فرهنگ همواره در حال تحول و پویایی است. از تعاریف مختلف فرهنگ برمی‌آید که کاملاً ریشه در باورها و ارزش‌های بنیادین دارد. تفاوت در عقاید و باورها براساس جهان‌بینی دینی یا غیردینی، فرهنگ‌های متفاوتی با شاخص‌های خاص ایجاد می‌کند. تیلور فرهنگ را مجموعه توانایی‌ها

و عادات شامل دانش، دین، هنر، قانون، اخلاق، آداب و رسوم و غیره می‌داند که انسان به‌عنوان عضوی از جامعه کسب می‌کند (آشوری، ۱۳۸۶، ص ۴۷).

اگر فرهنگ را به‌عنوان الگویی از ارزش‌ها، باورها، آداب، سنت‌ها، دانش، جهان‌بینی، نگرش‌ها و سبک زندگی یک جامعه تعریف کنیم، هویت فرهنگی، امری است که افراد، گروه‌ها، نهادها و سازمان‌ها خود را با آن معرفی نموده و ذهنیت، گفتار، رفتار، قوانین، روش‌ها و برنامه‌ها و اقدامات خود را مطابق آن عیار و خود را با آن معرفی می‌کنند. به‌لحاظ چپستی از منظر جامعه‌شناسی، هویت فرهنگی به‌عنوان یک برساخت اجتماعی^۱ در نظر گرفته می‌شود، نه یک ساخت ثابت یا ذاتی. این بدان معناست که هویت فرهنگی از طریق تعاملات اجتماعی، فرایندهای تاریخی، و فعالیت‌های انسانی شکل می‌گیرد و به‌جای اینکه یک ماهیت طبیعی یا پیش‌فرض داشته باشد، در بستر اجتماع و فرهنگ ساخته و بازتولید می‌شود (هال، ۱۹۹۶).

هویت فرهنگی نتیجه فرایندهای اجتماعی است که در آن افراد و گروه‌ها از طریق تعامل با دیگران، تاریخ، و محیط اطراف خود معنا و هویت خلق می‌کنند. این برساخت ثابت نیست و می‌تواند در طول زمان و در پاسخ به تغییرات اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی تحول یابد. به گفته استوارت هال، هویت‌ها از طریق گفتمان‌ها و روایت‌های فرهنگی شکل می‌گیرند و هیچ‌گاه به‌صورت ذاتی یا از پیش تعیین شده وجود ندارند (هال، ۱۹۹۰). پیتر برگر و توماس لاکمن نیز در نظریه برساخت اجتماعی خود تأکید دارند که واقعیت‌های اجتماعی، از جمله هویت‌ها، از طریق فرایندهای اجتماعی ساخته می‌شوند (برگر و لاکمن، ۱۹۶۶). هویت فرهنگی به‌عنوان یک برساخت اجتماعی از عناصر و فرایندهای متعددی تشکیل شده است که شامل موارد زیر می‌شوند:

^۱. Social Construct



شکل ۱. عناصر هویت فرهنگی

۱. تاریخ و حافظه جمعی: روایت‌های تاریخی، افسانه‌ها، و داستان‌هایی که یک گروه فرهنگی درباره گذشته خود بازگو می‌کند، نقش مهمی در شکل‌گیری هویت فرهنگی دارند. این روایت‌ها ممکن است شامل وقایع کلیدی، قهرمانان، یا نقاط عطف تاریخی باشند (اسمیت، ۱۹۹۱)؛

۲. زبان و گفتمان: زبان نه تنها ابزار ارتباطی است، بلکه حامل ارزش‌ها، باورها، و جهان‌بینی یک فرهنگ است. اصطلاحات، ضرب‌المثل‌ها، و شیوه‌های گفتاری به تعریف هویت فرهنگی کمک می‌کنند (اندرسون، ۱۹۸۳)؛

۳. سنت‌ها و آداب و رسوم: آیین‌ها، جشن‌ها، و رسوم مانند عید نوروز، عید فطر و قربان در فرهنگ اسلامی یا مراسم‌های مذهبی در خرده فرهنگ‌ها، هویت فرهنگی را تقویت و بازتولید می‌کنند (هابسبام و رنجر، ۱۹۸۳)؛

۴. نمادها و نشانه‌ها: نمادهای فرهنگی مانند پرچم، لباس‌های سنتی، یا آثار هنری به عنوان نشانه‌های هویت عمل می‌کنند و افراد را به یک گروه فرهنگی پیوند می‌دهند (گیدنز، ۱۹۹۱)؛

۵. ارزش‌ها و باورها: نظام‌های ارزشی، اعتقادات مذهبی یا فلسفی، و هنجارهای اخلاقی که یک گروه فرهنگی به آن پایبند است، بخش مهمی از هویت فرهنگی را تشکیل می‌دهند (پارسونز، ۱۹۵۱)؛

۶. تجربیات مشترک و تعاملات اجتماعی: تعاملات روزمره، روابط اجتماعی، و تجربه‌های مشترک (مانند مهاجرت، جنگ، یا تغییرات اقتصادی) در شکل‌گیری و بازتعریف هویت فرهنگی نقش دارند (برگر و لاکمن، ۱۹۶۶)؛

۷. رسانه و بازنمایی: رسانه‌ها، ادبیات، فیلم، و هنر در بازنمایی و برساخت هویت فرهنگی تأثیرگذارند. این ابزارها می‌توانند کلیشه‌ها را تقویت یا روایت‌های جدیدی از هویت خلق کنند (هال، ۱۹۹۷)؛

۸. قدرت و گفتمان‌های سیاسی: هویت فرهنگی اغلب تحت تأثیر روابط قدرت، سیاست‌های دولتی، یا ایدئولوژی‌های غالب شکل می‌گیرد. برای مثال، سیاست‌های ملی‌گرایانه می‌توانند هویت فرهنگی خاصی را ترویج یا سرکوب کنند (اندرسون، ۱۹۸۳).

هویت فرهنگی به دلیل برساخت بودن، پویا و قابل تغییر است. عواملی مانند سیاست‌های دولت، جهانی‌سازی، مهاجرت، فناوری، و تماس بین‌فرهنگی می‌توانند هویت‌های فرهنگی را بازسازی کنند. برای مثال، مهاجران ممکن است هویت‌های ترکیبی^۱ ایجاد کنند که عناصری از فرهنگ مبدأ و مقصد را در خود جای دهند (بهابها، ۱۹۹۴).

ج) خط‌مشی هویت فرهنگی

خط‌مشی‌گذاری به دلیل داشتن مؤلفه‌های جامع، جداسازی عرصه‌های مختلف آن را دشوار، اگر نگوییم ناممکن، می‌کند. امروزه همه خط‌مشی‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دولت‌ها دارای زمینه‌ها و پیامدهای فرهنگی گسترده‌اند و از این‌رو، می‌توان هر خط‌مشی عمومی را با در نظر گرفتن جنبه‌های فرهنگی‌اش، خط‌مشی فرهنگی دانست؛ زیرا فرهنگ یکی از ابعاد واقعیت اجتماعی است. با وجود این، خط‌مشی‌هایی که مستقیماً تأثیرگذاری بر فرهنگ را هدف قرار می‌دهند، به عنوان خط‌مشی فرهنگی شناخته می‌شوند؛ در حالی که خط‌مشی‌های صرفاً سیاسی یا اقتصادی که فاقد زمینه‌ها و پیامدهای فرهنگی هستند، از این مفهوم خارج‌اند (Bell, D.; Oakley, K., 2014, p. 6). در تعریف دیگری، خط‌مشی فرهنگی به عنوان کنشی آگاهانه در قلمرو فرهنگ، عمدتاً توسط دولت‌ها تعریف شده است (Mc Guigan, Jim, 1972, p. 144).

^۱. hybrid identities

در نگاه دیگر، خط‌مشی‌گذاری فرهنگی به معنای تعیین راهبردهای کلان برای دستیابی به اهداف چهارگانه توسعه فرهنگی، یعنی همکاری‌های فرهنگی، مشارکت فرهنگی، میراث فرهنگی و هویت فرهنگی است که یونسکو برای نخستین بار آن را مطرح کرد (گرچی‌پور، ۱۳۹۷، ص ۵۰). پورعزت و باقری خط‌مشی فرهنگی را مجموعه‌ای از اهداف، مبانی، اصول، اولویت‌ها و خط‌مشی‌های اجرایی تعریف می‌کند که نتیجه توافق رسمی و اجماع متخصصان در تشخیص و تدوین اصول و اولویت‌های ضروری برای هدایت حرکت فرهنگی است (۱۳۹۲، ص ۱۲). از منظر کارکردگرایانه، با توجه به سه حوزه فرهنگ، اقتصاد و سیاست به عنوان قلمروهای اعمال حاکمیت دولت، خط‌مشی‌گذاری فرهنگی را می‌توان مشابه خط‌مشی‌گذاری عمومی، اما در حوزه فرهنگ تعریف کرد. دانشمندان علوم خط‌مشی‌گذاری، مؤلفه‌ها و تعاریف خط‌مشی‌گذاری فرهنگی را مشابه خط‌مشی عمومی، اما در قلمرو خاص فرهنگ بیان کرده‌اند (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۵).

تعریف مختار این است که خط‌مشی‌گذاری فرهنگی شامل اقدامات و تصمیمات حاکمیت برای هدایت فرهنگ جامعه است؛ یعنی سیاست‌هایی در راستای هدایت، تثبیت، نهادینه‌سازی و تعالی باورها، ارزش‌ها و رفتارهای افراد و گروه‌های اجتماعی که در بازه زمانی مشخصی توسط دولت طراحی و اجرا می‌شود و هدفش ایجاد هویت، شخصیت و کیان خاص فرهنگی برای جامعه است یا می‌کوشد هویت خاصی را تثبیت و نهادینه‌سازی نمایند؛ به طوری که افراد و گروه‌های اجتماعی، نهادها و سازمان‌ها خود را با آن هویت معرفی می‌کنند یا ملزم می‌شود که به عنوان یک چارچوب از آن تبعیت و در قوانین، روش‌ها و رفتارهای خود آن را مراعات نمایند (باقری‌فرد و توکلی، ۱۳۹۵، ص ۷).

د) ارزشیابی خط‌مشی هویت فرهنگی

در تمام تعاریف ارزشیابی، سه عنصر مشترک قابل مشاهده است: جمع‌آوری منظم و هدفمند داده‌ها، قضاوت ارزشی درباره مطلوبیت موضوع مورد ارزشیابی و اقدام مبتنی بر نتایج ارزیابی (محمدی و همکاران، ۱۳۹۱). به گفته فاهرنکروگ و همکاران^۱، ارزشیابی فرایندی نظام‌مند و هدفمند است که تناسب، کارایی و اثربخشی یک سیاست، برنامه یا فعالیت را با توجه به

^۱ Fahrnkruget al., 2002

اهداف آن در مراحل طراحی، پیاده‌سازی و نتایج بررسی می‌کند (امامی‌میبدی، ۱۳۹۱). ارزشیابی طراحی با تناسب، ارزشیابی پیاده‌سازی با کارایی و ارزشیابی نتایج با اثربخشی متناظر است. ارزشیابی، حلقه سیاست‌گذاری را تکمیل کرده و مراحل تدوین و اجرا را به هم پیوند می‌دهد. ارزیابی حرفه‌ای و منصفانه هدفی فراتر از توقف سیاست را دنبال می‌کند (دانایی‌فرد، ۱۳۹۱، ص ۲۴۸). تقویت تشخیص، شناسایی هزینه‌ها و منافع، انسجام‌بخشی به اهداف، افزایش شفافیت و پاسخگویی از اهمیت ارزشیابی در سیاست‌گذاری حکایت دارد (تسلیمی، ۱۳۹۶، ص ۱۲۳).

در مدل‌های ارزشیابی مطابق مدل آرنولد (۲۰۰۴)، تناسب، کارایی، اثربخشی و سودمندی و مدل آجیونس (۲۰۰۵)، بازدهی، بهره‌وری، کارایی، اثربخشی و سود خالص، به‌عنوان شاخص‌های مشترک ارزشیابی معرفی شده است. افزون‌براین، دو مدل، نظریات دیگری هم وجود دارد که شاخص‌های دیگری را در این زمینه معرفی نموده‌اند (رحیمی، ۱۳۹۵، ص ۸۲-۹۰) که در جدول ۱ خلاصه آن معرفی شده است:

جدول ۱. شاخص‌های ارزیابی خط‌مشی و خط‌مشی در ادبیات مدیریتی

ردیف	مدل ارزشیابی	شاخص مورد نظر
۱	منطقی	بررسی پیامدهای راهبردی و تأثیرات خط‌مشی بر مسایل و فعالیت‌های اجتماعی.
۲	سیستمی	بررسی پیامدها، نتایج کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت خط‌مشی
۳	تکاملی	بررسی موفقیت خط‌مشی در تحقق اهداف مورد نظر.
۴	ارزیابی متوازن	سنجش تحقق شاخص‌های مورد نظر از چهار جهت مالی، مشتری، کسب و کار درون سازمانی و رشد و یادگیری.
۵	ارزیابی خروجی	بررسی خروجی‌ها و پیامدهای کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت.
۶	طرح تجربی	سنجش تجربی نتایج ارزیابی از طریق تشکیل دو گروه شاهد و آزمایش.

۷	چرخه‌ای	۱. تحقق اهداف مورد نظر؛ ۲. سنجش بدیل‌ها؛ ۳. بررسی روابط بین بدیل‌ها.
۸	دای	۱. اندازه‌گیری پیامد ارزیابی نه خروجی آن؛ ۲. بررسی تأثیر ارزیابی بر گروه‌های غیرهدف؛ ۳. بررسی تأثیرات بلند و کوتاه‌مدت ارزیابی؛ ۴. بررسی مزایا و هزینه‌های غیرمستقیم ارزیابی؛ ۵. بررسی محاسبه مزایا و هزینه‌های شبکه‌ای ارزیابی؛ ۶. بررسی پیامد نمادین خط‌مشی

هـ) پیشنهاد تجربی تحقیق

پیشینه پژوهش در زمینه ارزشیابی خط‌مشی فرهنگی نشان‌دهنده کمبود ادبیات غنی در این حوزه و توجه اندک به ارزشیابی خط‌مشی هویت فرهنگی است. برخی مقالات و پایان‌نامه‌ها به موضوع ارزشیابی خط‌مشی عمومی و ارزشیابی خط‌مشی فرهنگی به زبان فارسی تدوین شده است؛ اما تعداد محدودی ناظر به افغانستان است. در جدول ۲ خلاصه هر یک منعکس شده است.

جدول ۲. سابقه تجربی ارزشیابی خط‌مشی فرهنگی

عنوان	خلاصه محتوا	منبع
"طراحی نظام ارزیابی خط‌مشی‌های عمومی در جمهوری اسلامی ایران"	در این مقاله با مبنا قرار دادن مدل نهادی به ارایه الگوی ارزشیابی متناسب با جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد و می‌نویسد که برای نهادهای متولی و درگیر ارزشیابی خط‌مشی در جمهوری اسلامی ایران چه روش ارزشیابی مناسب است.	راضیه میبدی و کیومرث اشترینان، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هفتم، شماره دوم، بهار، ص ۷
الگوی ارزشیابی خط‌مشی‌های عمومی در پرتو معرفت علوی	در این مقاله، محتوای "تهج البلاغه" و "غررالحکم و دررالکلم" مطالعه شده و با استفاده از روش تحلیل محتوا شاخص‌های	مهدی عبدالحمید، بهروز رضایی‌منش، علی اصغر پورعزت و فتاح شریف‌زاده، مجله راهبرد فرهنگ، ۱۳۹۳،

ارزشیابی خط‌مشی عمومی استنباط شده و براساس مدل‌سازی ساختاری- تفسیری ارتباط شاخص‌ها با یکدیگر تبیین و سطح بندی شده است.	شماره بیست و هشتم، زمستان، ص ۱۲۳.
الگوی نظام‌مند تدوین خط‌مشی عمومی در نظام جمهوری اسلامی با رویکرد اسلامی	نویسنده در این کتاب تدوین خط‌مشی عمومی با رویکرد اسلامی را با ابتدا بر نظریه جمهوری اسلامی بحث نموده است.
ارزیابی خط‌مشی گذاری عمومی در نظام جمهوری اسلامی ایران بر مبنای نظریه حکمرانی خوب	در پژوهش حاضر، بررسی و ارزیابی خط‌مشی‌گذاری عمومی در ایران بر مبنای نظریه حکمرانی انجام شده است.
اجرا و ارزیابی خط‌مشی‌ها در سازمان‌های دولتی با بهره‌گیری از الگوی مدیریت متوازن خط‌مشی‌ها (BSC) مطالعه موردی: دفتر تبلیغات اسلامی	در این مقاله براساس الگوی مدیریت متوازن، خط‌مشی‌ها و برنامه‌های دفتر تبلیغات اسلامی مطالعه و تحلیل شده است.
ارایه الگوی ارزشیابی موفقیت خط‌مشی‌های عمومی جمهوری اسلامی ایران	این پژوهش با دغدغه رفع ابهام موجود در مفاهیم ارزشیابی و موفقیت خط‌مشی، و با هدف تعیین شاخص‌های موفقیت سازمانی سیاسی جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر نظر مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و براساس
محمدحسن جعفری، ۱۴۰۰، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره	رضایی قادی، مهدی، شیرخانی، علی، خط‌مشی متعالیه، پاییز ۱۳۹۹ - شماره ۳۰ (۱۶۶ - ۱۸۶)
الوانی، سیدمهدی؛ هاشمیان، سیدمحمدحسین؛ بهمنی، محمدرضا، اندیشه مدیریت راهبردی بهار و تابستان ۱۳۸۸ - شماره ۵ (30) ISC صفحه - از ۵ تا ۳۴)	علی‌اصغر پورعزت و مهدی عبدالحمید، مطالعات الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، سال نهم، شماره دوم (پیاپی ۱۸)، تابستان ۱۴۰۰، ص ۷-۴۶.

	روش پرسش از خبرگان انجام شده است.	
Rahimi, M. (2019). Cultural Policy in Post-Conflict Afghanistan: Challenges and Opportunities. Journal of Afghan Studies, 7(2), 45-62	در این مقاله رحیمی با مطالعه افغانستان پساجنگ به معرفی فرصت‌ها و چالش‌های سیاست‌گذاری فرهنگی در افغانستان پرداخته است.	Cultural Policy in Post-Conflict Afghanistan: Challenges and Opportunities.
گرچی‌پور و همکاران (۱۳۹۸)، «طراحی الگوی ارزیابی چرخه سیاست‌گذاری فرهنگی با رویکرد مطالعه کیفی اسناد بالادستی»،	شاخص‌های مطلوب سیاست‌گذاری فرهنگی در قالب شناخت مسأله، تدوین راه‌حل، مشروعیت‌بخشی، قانونی کردن، اجرا و ارزیابی دسته‌بندی شدند و بر این مبنا، الگویی برای ارزشیابی خط‌مشی فرهنگی در ایران ارائه شده است. پیشگیری از آسیب‌های احتمالی در تصمیم‌گیری‌های فرهنگی و شناسایی موانع از مزایای این الگو است.	
لطیفی و همکاران (۱۳۹۴)، «طراحی الگوی ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی»	در این مقاله، الگویی برای ارزیابی نشانگرهای فرهنگ عمومی مؤسسات آموزش عالی تدوین شده است.	«طراحی الگوی ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی»
محمدرضا رحیمی (۱۳۹۵) رساله دکتری، طراحی و تبیین الگوی ارزشیابی خط‌مشی عمومی با رویکرد اسلامی،	در رساله‌ای با عنوان روش تحلیلی-استنباطی، مبانی، اصول، انواع و فرایند ارزشیابی خط‌مشی عمومی را با استفاده از آیات و روایات تبیین	«طراحی و تبیین الگوی ارزشیابی خط‌مشی عمومی با رویکرد اسلامی»

	کرده و الگویی برای ارزشیابی خط‌مشی عمومی ارائه داده است. توجه به مؤلفه‌های ارزشیابی عمومی و تفاوت رویکرد اسلامی و غربی از نوآوری‌های این پژوهش است.	مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم.
شناسایی عوامل فرهنگی مؤثر بر افزایش مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری مطالعه موردی: شهرداری تالقان- ولایت تخار- افغانستان	یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که عوامل فرهنگی مؤثر بر سه متغیر رسانه‌های جمعی، سرمایه فرهنگی و حوزه کتب و نشریات تأثیر مثبت و معنادار دارد. بنابراین سیاست‌گذاران با ارتقای موارد یادشده می‌توانند سطح مشارکت مردم را در خط‌مشی‌گذاری‌ها به صورت قابل ملاحظه گسترش دهند.	عبدالمجید ایمانی، الیاس‌الدین فرهمند 1400، همایش ملی توسعه اجتماعی و فرهنگی در ایران: چالش‌ها و توانمندی‌ها
الگوی تدوین خطی‌مشی عمومی در حوزه رسانه در جامعه چند فرهنگی افغانستان	در این مقاله سعی شده است الگویی جهت تدوین خط‌مشی رسانه در جامعه چند فرهنگی افغانستان ارائه شود.	جعفری، محمدحسن، شرف‌الدین، سیدحسین؛ محسنی، محمدجواد؛ اکبری، ظاهر؛ معرفت فرهنگی اجتماعی، پاییز ۱۳۹۹ - شماره ۴۴ رتبه: ب (22) ISC/صفحه - از ۴۷ تا ۶۸
نقش خط‌مشی‌های قوه مجریه افغانستان در وحدت ملی	در این تحقیق به روش پرسش از خبرگان نشان داده شده است که خط‌مشی‌های قوه مجریه روی وحدت ملی در افغانستان اثرگذار است.	جواد زاهدی و مهدی نادری قمی، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، سال دهم شماره ۱

(پیاپی ۲۰، بهار و تابستان ۱۳۹۹)		
حسین زاهدی و محمدرضا رحیمی، ۱۳۹۶، مجله مطالعات منطقه‌ای	در این مقاله سعی شده است راهبردهای برای ارتقای فرهنگ اهلبیت(ع) در جامعه افغانستان ارایه شود.	درآمدی بر ارتقای راهبردهای جایگاه فرهنگ اهلبیت در افغانستان

۱) چارچوب نظری تحقیق

براساس آنچه بیان شد، فرهنگ مجموعه‌ای ارزش‌ها، باورها، آداب، سنت‌ها، دانش، جهان‌بینی، نگرش‌ها و سبک زندگی یک جامعه بوده و هویت برساخته‌ای است به‌دست آمده از فرهنگی که افراد، گروه‌ها، نهادها و سازمان‌های جامعه خود را با آن معرفی می‌نمایند و خط‌مشی هویت فرهنگی، خط‌مشی‌ای است که به هدف ایجاد، تثبیت یا نهادینه‌سازی یک هویت فرهنگی توسط دولت وضع و اجرا می‌شود. به‌لحاظ پیشینه تجربی، در مورد شاخص‌های ارزشیابی خط‌مشی هویت فرهنگی در افغانستان تحقیقی انجام نشده و از این‌رو تحقیق حاضر کار جدید است. از آنجاکه در فرایند خط‌مشی‌گذاری، هدف ارزیابی مفروضات مدل و نیز مفروضات و سپس اهداف خط‌مشی و ارزیابان آن، تأثیرگذارند (روسی و دیگران^۱، ۲۰۰۴، ص ۱۱۴)، برای ارزشیابی خط‌مشی هویت فرهنگی در افغانستان به مدلی نیاز است که با روح و فضای فرهنگی این کشور تناسب داشته باشد. مدلی سه مرحله طراحی، اجرا و ارزیابی به‌عنوان یک مدل عام و غیرمقید به مبانی و ارزش‌های خاص (جعفری، ۱۴۰۰، ص ۸۵)، این شأنیت را دارد که به‌عنوان چارچوبی برای ارزشیابی خط‌مشی هویت فرهنگی در افغانستان مبنا قرار بگیرد؛ زیرا این مدل به‌عنوان یک مدل فرایندی، محتوا و ارزش‌های خاصی را در خود ندارد و به مبانی، ارزش و محتوای خاصی نیز وابسته نیست. ضمن اینکه این مدل نسبت به همه مدل‌های فرایندی، جامعیت دارد و اگر همه مدل‌های فرایندی موشکافی شود، در نهایت به همین سه مرحله کلی طراحی، اجرا و ارزیابی

بازمی‌گردد؛ از این‌رو این مدل می‌تواند به‌عنوان یک چارچوب در زمان‌ها و مکان‌های گوناگونی مبنا قرار بگیرد و نوشتار حاضر به همین دلیل این الگو را مبنا قرار داده است و براساس این شاخص‌های ارزشیابی خط‌مشی هویت فرهنگی را معرفی و تحلیل می‌نماید.

ز) روش تحقیق

داده‌های این پژوهش در دو قلمرو متمایز ادبیات موضوع و مسأله تحقیق گردآوری شده است:

۱. ادبیات نظری و تجربی: مبانی نظری و پیشینه تجربی پژوهش با جستجو در پایگاه‌های علمی، کتاب‌ها و مطالعات پیشین با استفاده از کلیدواژه‌هایی نظیر «خط‌مشی»، «هویت فرهنگی»، و «ارزشیابی خط‌مشی هویت فرهنگی در فضای مجازی» استخراج شده است.

۲. داده‌های مربوط به موضوع تحقیق: این داده‌ها با به‌کارگیری کلیدواژه‌های تخصصی‌تر شامل «هویت»، «هویت فرهنگی»، «افغانستان»، «خط‌مشی هویت فرهنگی»، «سیاست‌های هویت فرهنگی»، و «ارزشیابی»، «ارزشیابی خط‌مشی هویت فرهنگی در افغانستان» از منابعی چون کتاب‌ها، مقالات علمی، پایگاه‌های اینترنتی رسمی دولت و سازمان‌های عمومی افغانستان، اسناد سازمان ملل متحد، و سایر وبگاه‌های معتبر علمی شناسایی و جمع‌آوری شده است. هم‌چنین، موضوعات فرعی مرتبط با اهداف تحقیق نیز مورد توجه قرار گرفت. در گام بعد، داده‌های گردآوری‌شده با اتکا به چارچوب نظری منتخب و براساس دلالت‌های صریح (منطوقی)، ضمنی و التزامی آن‌ها، در سه مرحله کلیدی طراحی، اجرا و ارزیابی طبقه‌بندی و تحلیل شدند.

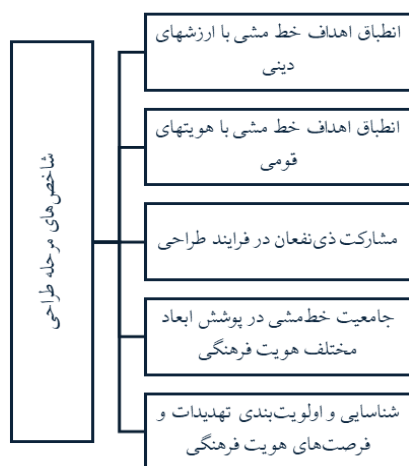
ح) یافته‌های تحقیق

در ارزشیابی خط‌مشی این سؤال مهم وجود دارد که چگونه بدانیم خط‌مشی موفق بوده است. پاسخ به این سؤال از طریق ارزشیابی خط‌مشی به دست می‌آید. سؤال دیگر این است که چگونه خود ارزشیابی انجام می‌شود. پاسخ به این سؤال از طریق اعمال شاخص‌های ارزشیابی به دست می‌آید. منظور از شاخص، ابزاری است که به وسیله آن می‌توان کمیت، کیفیت، تغییرات یا ثبوت و تحقق یک موضوع را تشخیص داد و اندازه‌گیری کرد. برای مثال، تغییرات طول ستون جیوه در دماسنج، شاخص تغییرات درجه حرارت است و رفتار انسان شاخص تغییرات شخصیت او (دفتر سنجش فرهنگی، ۱۳۸۶). شاخص‌ها می‌توانند کمی یا

کیفی باشند. شاخص‌های کمی مانند افزایش مقدار تولیدات کشاورزی برای سنجش رشد در یک کشور و شاخص‌های کیفی مانند افزایش رفاه یا امید به زندگی در یک کشور. در ادامه تلاش می‌شود تا شاخص‌های کیفی ارزشیابی خط‌مشی هویت فرهنگی در افغانستان مطابق الگوی منتخب معرفی و تحلیل شود.

ط) شاخص‌های مرحله طراحی

مرحله تدوین و طراحی خط‌مشی، مرحله‌ای است که در آن مسایل شناسایی شده مثل کاهش هویت فرهنگی یا نفوذ فرهنگ خارجی به اهداف مشخص تبدیل شده و برنامه‌های عملی برای رفع آن‌ها تدوین می‌شوند. شاخص‌های ارزشیابی در این مرحله باید به گونه‌ای باشند که نشان دهند خط‌مشی طراحی شده توانایی تقویت هویت فرهنگی را دارد و با زمینه محلی سازگار است.



شکل ۲. شاخص‌های مرحله طراحی

۱. انطباق اهداف خط‌مشی با ارزش‌های دینی

جامعه افغانستان، جامعه‌ای دینی و اکثریت قریب به اتفاق آن مسلمان هستند؛ از این‌رو دین به عنوان بخش اصلی و بنیادین فرهنگ مردم محسوب می‌شود. براساس این، نخستین شاخص در مرحله طراحی خط‌مشی هویت فرهنگی، انطباق خط‌مشی با ارزش‌های دینی است. از این‌رو، خط‌مشی هویت فرهنگی باید خط‌مشی‌ای باشد که انطباق کامل و یا بیشترین انطباق را با ارزش‌های دینی داشته باشد.

۲. انطباق اهداف خط‌مشی با هویت‌های قومی

انطباق اهداف خط‌مشی با هویت‌های قومی، معیاری است که می‌سنجد آیا خط‌مشی‌های هویت فرهنگی با ارزش‌ها، باورها و نیازهای هویت‌های قومی گوناگون در یک جامعه هم‌راستا هستند یا خیر. این شاخص بررسی می‌کند که آیا سیاست‌های طراحی شده به گونه‌ای هستند که هویت‌های قومی را به رسمیت شناخته، مورد احترام قرار داده و از آن‌ها حمایت کنند. هدف آن اطمینان از این است که خط‌مشی‌ها نه تنها به تقویت همبستگی اجتماعی کمک می‌کنند، بلکه از به حاشیه راندن یا تضعیف گروه‌های قومی جلوگیری کرده و تنوع فرهنگی را به عنوان سرمایه‌ای ارزشمند حفظ می‌کنند.

برای سنجش این شاخص، از ابزارهایی مانند نظرسنجی از جوامع قومی، تحلیل محتوای خط‌مشی‌ها یا مطالعات میدانی استفاده می‌شود تا مشخص شود آیا گروه‌های قومی در فرایند سیاست‌گذاری مشارکت داشته‌اند، نیازهای زبانی و فرهنگی آن‌ها مورد توجه قرار گرفته و تأثیر خط‌مشی بر حفظ هویت آن‌ها مثبت بوده است یا خیر. این شاخص از آن جهت حیاتی است که در جوامع چندقومیتی، نادیده گرفتن هویت‌های قومی می‌تواند به احساس تبعیض، نابرابری و حتی تنش‌های اجتماعی منجر شود. در مقابل، خط‌مشی‌هایی که با هویت‌های قومی سازگارند، حس تعلق را تقویت کرده، نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی را کاهش داده و از یکسان‌سازی فرهنگی جلوگیری می‌کنند.

این شاخص در تمام مراحل ارزشیابی، از طراحی تا اجرا و ارزیابی، نقش مهمی دارد. در مرحله طراحی، سیاست‌گذاران را تشویق می‌کند تا نیازهای همه مردم و گروه‌های اجتماعی را در نظر بگیرند، مثل گنجاندن آموزش زبان‌های قومی در برنامه‌های درسی. در مرحله اجرا، بر توزیع عادلانه منابع نظارت می‌کند و در ارزیابی نهایی، نشان می‌دهد که آیا خط‌مشی به اهداف خود در تقویت هویت فرهنگی و همبستگی اجتماعی رسیده است. در سطح کلان، این شاخص به عنوان بخشی از نظام سیاست‌گذاری ملی، به‌ویژه در حوزه‌های فرهنگ و آموزش، به کار می‌رود تا اطمینان حاصل شود که خط‌مشی‌ها با اصول عدالت اجتماعی و حقوق بشر همخوانی دارند.

۳. مشارکت ذی‌نفعان در فرایند طراحی

این شاخص بر اهمیت درگیر کردن گروه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در فرایند تدوین و اجرای خط‌مشی‌های مرتبط با هویت فرهنگی تأکید دارد. مشارکت ذی‌نفعان به معنای همکاری فعال گروه‌هایی نظیر اقوام مختلف، نهادهای مدنی، نخبگان فرهنگی، سازمان‌های غیردولتی و جوامع محلی در مراحل شناسایی مسایل، تدوین راه‌حل‌ها و ارزیابی نتایج است (Smith, 2020). این رویکرد هم مشروعیت خط‌مشی را افزایش می‌دهد و هم به انعکاس دقیق‌تر تنوع فرهنگی و نیازهای جامعه افغانستان کمک می‌کند.

مشارکت ذی‌نفعان می‌تواند تضمین‌کننده انعکاس صدای همه مردم و جلوگیری از حاشیه‌نشینی گروه‌های خاص باشد (Ahmadi, 2019). براساس مطالعات، مشارکت ذی‌نفعان به عنوان یک اصل کلیدی در ارزشیابی مشارکتی شناخته شده است؛ زیرا این روش امکان هم‌افزایی اجتماعی و مردمی را فراهم و به سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا سیاست‌هایی طراحی کنند که با واقعیت‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه همخوانی داشته باشد (Khan & Jones, 2021). مشارکت ذی‌نفعان در فرایند طراحی شاخص‌های هویت فرهنگی شامل چند مرحله است:

۱. شناسایی ذی‌نفعان: در افغانستان، ذی‌نفعان شامل گروه‌های قومی، رهبران محلی، نهادهای مذهبی، فعالان فرهنگی و سازمان‌های بین‌المللی فعال در حوزه فرهنگ هستند. شناسایی دقیق این گروه‌ها و ایجاد فضایی برای گفتگوی برابر، به طراحی شاخص‌هایی منجر می‌شود که هویت فرهنگی متنوع کشور را نمایندگی می‌کند (Rahimi, 2022).

۲. ایجاد سازوکارهای مشارکتی: این مرحله شامل تشکیل کارگروه‌های موضوعی با حضور ذی‌نفعان است که در آن‌ها مسایل مرتبط با هویت فرهنگی مانند حفظ زبان‌ها، سنت‌ها و میراث فرهنگی مورد بحث قرار می‌گیرد. ایجاد کارگروه‌های مشارکتی می‌تواند به ارتقای نظارت و ارزشیابی خط‌مشی‌ها کمک کند (Ahmadi, 2019).

۳. تدوین شاخص‌های مبتنی بر اجماع: شاخص‌های ارزشیابی هویت فرهنگی باید براساس وفاق جمعی ذی‌نفعان تدوین شوند تا از پذیرش برخوردار باشند. برای مثال،

شاخص‌هایی مانند «میزان حفظ تنوع زبانی» یا «درجه مشارکت جوامع محلی در پروژه‌های فرهنگی» می‌توانند از طریق گفتگوهای مشارکتی شکل گیرند (Smith, 2020).

۴. نظارت و بازخورد مستمر: مشارکت ذی‌نفعان نباید به مرحله طراحی محدود شود؛ بلکه باید در فرایند نظارت و ارزیابی نیز ادامه یابد. این امر از طریق سامانه‌های دیجیتال یا جلسات حضوری امکان‌پذیر است که در آن ذی‌نفعان می‌توانند نتایج اجرای خط‌مشی را ارزیابی کرده و بازخورد ارائه دهند (Khan & Jones, 2021).

مزیت این شاخص در افغانستان، تقویت حس تعلق به هویت فرهنگی مشترک و کاهش تعارضات قومیتی است. باوجوداین، چالش‌هایی مانند عدم دسترسی برابر همه گروه‌ها به فرایندهای سیاست‌گذاری، محدودیت‌های زیرساختی یا مقاومت‌های سیاسی ممکن است مانع تحقق کامل این مشارکت شوند. برای غلبه بر این چالش‌ها، استفاده از فناوری‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی برای ایجاد بسترهای گفتگوی عمومی پیشنهاد شده است (Rahimi, 2022).

۴. شناسایی و اولویت‌بندی تهدیدات و فرصت‌های هویت فرهنگی

هویت فرهنگی افغانستان، به‌عنوان یکی از غنی‌ترین میراث‌های بشری، ترکیبی از تنوع مذهبی، قومی، زبانی، هنری و تاریخی است. این هویت نه‌تنها نماد وحدت ملی است، بلکه شاخص کلیدی برای ارزیابی پایداری اجتماعی و فرهنگی کشور به شمار می‌رود. تهدیدات و فرصت‌های مرتبط با آن می‌توانند به‌عنوان معیارهایی برای ارزشیابی هویت فرهنگی عمل کنند.

تهدیدات اصلی هویت فرهنگی افغانستان عمدتاً ریشه در ایدئولوژی افراطی، چالش‌های اقتصادی و قطبی‌سازی اجتماعی دارند. نخستین تهدید، تفکر افراطی است که با میراث فرهنگی و بناهای تاریخی، موسیقی، شعر و هنر مخالف بوده و آن را مغایر با اسلام معرفی می‌کند (Newlines Magazine, 2022). تهدید دوم، نگاه افراطی در نادیده گرفتن مذاهب اسلامی از جمله مذهب شیعه است که باعث تضعیف بخش عظیمی از جامعه شده و هویت ملی را مخدوش می‌کند (Afghanistan Analysts Network, 2021). تهدید سوم، اعمال سخت‌گیری‌های جنسیتی است که هویت زنان را به حاشیه رانده و دسترسی آن‌ها به آموزش

و مشارکت فرهنگی را محدود می‌کند که این امر سلامت اجتماعی و هویتی را تهدید می‌کند (UCSF Global Health Sciences, 2022). تهدید چهارم، قطبی‌سازی قومی و تهدیدات علیه اقلیت‌هاست که با خشونت و تبعیض، وحدت فرهنگی را از بین می‌برد (George Washington University Extremism Program, 2022). در نهایت، چالش‌های اقتصادی و زیست‌محیطی، مانند غارت آثار باستانی، تهدیدات ثانویه‌ای هستند که پایداری میراث فرهنگی را کاهش می‌دهند (UNESCO, 2021).

فرصت‌های هویت فرهنگی بیشتر بر حمایت‌های بین‌المللی استوارند. اولویت اول، همکاری با سازمان‌هایی مانند یونسکو است که پروژه‌های حفاظتی برای نگهداشت آثار باستانی را پیش می‌برد و فرصت‌هایی برای گردشگری فرهنگی و وحدت ملی ایجاد می‌کند (UNESCO World Heritage Centre, 2023). اولویت دوم، مهاجرت افغان‌هاست که هویت فرهنگی را در جوامع دیاسپورا حفظ کرده و فرصت‌هایی برای انتقال دانش و هنر فراهم می‌آورد؛ به‌ویژه برای پناهندگانی که هویت‌شان را در برابر تروما بازسازی می‌کنند (Stigter & Monsutti, 2017). اولویت سوم، پتانسیل دیجیتال‌سازی میراث فرهنگی است که فرصت‌هایی برای آموزش و آگاهی جهانی ایجاد می‌کند (The Art Newspaper, 2021).

این تهدیدات و فرصت‌ها به‌عنوان شاخص‌های ارزشیابی هویت فرهنگی عمل می‌کنند. برای مثال، سطح حفظ میراث ناملموس مانند فرهنگ صبوری و پایداری در برابر نامالایمات زندگی می‌تواند نشان‌دهنده قدرت هویت فرهنگی باشد؛ در حالی که فرصت‌های بین‌المللی جنبه احیا و بازسازی هویت فرهنگی را اندازه‌گیری می‌کنند. در افغانستان، تهدیدات ایدئولوژیک اولویت‌دار هستند؛ زیرا مستقیماً تنوع فرهنگی را هدف قرار می‌دهند و می‌توانند به از دست رفتن هویت ملی منجر شوند؛ اما فرصت‌ها اگر بهره‌برداری شوند، می‌توانند پایداری و پیشرفت همه‌جانبه را ایجاد کنند.

۵. جامعیت خط‌مشی در پوشش ابعاد مختلف هویت فرهنگی

جامعیت خط‌مشی در پوشش ابعاد مختلف هویت فرهنگی به‌معنای تدوین سیاست‌هایی است که تمام جنبه‌های هویت فرهنگی، از جمله عناصر ملموس مانند آثار باستانی و ناملموس مانند صبوری و پایداری در برابر نامالایمات زندگی، توکل به خدای متعال، زبان و

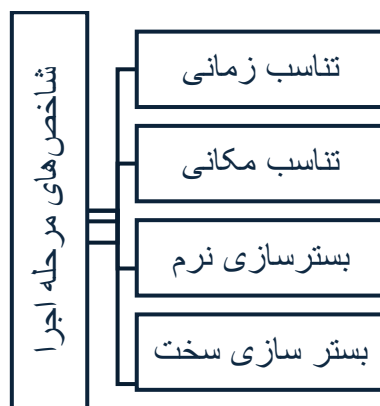
آداب و رسوم را در بر گرفته و به حفظ، ترویج و احیای آن‌ها کمک کند. ابعاد هویت فرهنگی و پوشش خط‌مشی می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

۱. بعد ملموس (میراث مادی): خط‌مشی‌های هویت فرهنگی باید حفاظت از آثار باستانی ملی را در اولویت قرار دهند. در حال حاضر، همکاری‌های بین‌المللی با یونسکو برای حفظ این آثار وجود دارد (UNESCO World Heritage Centre, 2023)، اما این خط‌مشی‌ها فاقد تدبیرهای لازم برای برنامه‌های حفاظتی، مبارزه با غارت و تخصیص منابع مالی می‌باشد (UNESCO, 2021).

۲. بعد ناملموس (فرهنگ غیرمادی): مانند زبان، ادبیات، تاریخ، روحیه جهادی، روحیه مقاومت و پایداری از عناصر کلیدی هویت فرهنگی افغانستان هستند (Afghanistan Analysts Network, 2021). خط‌مشی هویت فرهنگی باید این جنبه‌ها را پوشش دهد و افزون‌براین با دیجیتال‌سازی این میراث ناملموس دسترسی جهانی به آن‌ها را تسهیل کند (The Art Newspaper, 2021).

ی) شاخص‌های مرحله اجرا

مرحله اجرا، شامل عملیاتی‌سازی سیاست‌ها از طریق تخصیص منابع، نظارت و تعدیل است. تناسب زمانی و مکانی، و بسترسازی نرم و سخت به‌عنوان شاخص‌های کلیدی ارزشیابی خط‌مشی هویت فرهنگی در مرحله اجرا، نقش مهمی در ارزیابی اثربخشی و پایداری سیاست‌ها ایفا می‌کنند. این شاخص‌ها برپایه اصول سیاست‌گذاری فرهنگی، بر تنوع ذاتی فرهنگی افغانستان تمرکز دارند و به سیاست‌گذاران کمک می‌کنند تا اجرای سیاست‌ها را با واقعیت‌های زمانی، مکانی و زیرساختی کشور همخوانی دهند.



شکل ۳. شاخص‌های مرحله اجرا

شاخص‌های این مرحله تضمین‌کننده انطباق سیاست با نیازهای محلی و جلوگیری از ناکارآمدی هستند (SIGAR, 2018).

۱. تناسب زمانی

تناسب زمانی^۱ به معنای اجرای سیاست در زمان و زمان‌بندی مناسب، با توجه به چرخه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است. در افغانستان، این شاخص ارزیابی می‌کند که آیا اجرای خط‌مشی هویت فرهنگی مانند حفظ میراث فرهنگی یا ترویج زبان‌های محلی با دوره‌های ثبات سیاسی، مهاجرت‌های فصلی یا رویدادهای فرهنگی همخوانی دارد. برای مثال، اجرای برنامه‌های فرهنگی در زمان‌های پس از درگیری‌ها می‌تواند به بازسازی هویت کمک کند؛ اما اجرای زودرس ممکن است به دلیل عدم آمادگی جامعه، شکست بخورد. تناسب زمانی شامل مراحل کوتاه‌مدت؛ مانند پاسخ به بحران‌های فرهنگی و بلندمدت؛ مانند برنامه‌ریزی برای حفظ هویت در برابر تهاجمات فرهنگ خارجی است که در چارچوب تحلیل فرهنگی-اجتماعی، با بررسی نرخ رشد و ترکیب جمعیت و مهاجرت‌های تاریخی ارزیابی می‌شود (SCAF, 2016). چالش اصلی در این زمینه، فشرده‌بودن زمان‌بندی‌ها به دلیل ناامنی است که می‌تواند به انتقال زودرس مسئولیت‌ها و از دست رفتن دستاوردها منجر شود. برای مقابله با این موضوع، باید به تنظیم دقیق‌تر و منعطف زمان انجام رویدادهای فرهنگی پرداخت.

¹. Temporal Appropriateness

۲. تناسب مکانی

تناسب مکانی^۱ بر انطباق اجرای سیاست با ویژگی‌های جغرافیایی، قومیتی و محلی تمرکز دارد. با لحاظ تنوع قومی و جغرافیایی (کوهستانی، روستایی، شهری) این شاخص ارزیابی می‌کند که آیا سیاست‌های هویت فرهنگی در مکان‌های مناسب مانند مناطق تاریخی بامیان برای حفظ میراث اجرا می‌شوند یا خیر. تناسب مکانی شامل شناسایی توزیع جمعیتی، مرزهای قومی و تأثیر اقلیم بر دسترسی امکانات اجرایی خط‌مشی‌های هویت فرهنگی است. برای نمونه، برنامه‌های تقویت زبان‌های محلی باید در جغرافیای مربوطه به گویندگان همان زبان اجرا شود نه اینکه برای مثال کورس‌های تقویت زبان ازبکی در غزنی برگزار شود که مخاطبان بسیار محدودی دارد. مسأله اصلی در این زمینه ناامنی در مناطق کلیدی و عدم توزیع عادلانه است که می‌تواند تعارضات قومی را افزایش دهد. برای برطرف سازی این مسأله باید از اولویت‌بندی مکان‌های دارای اهمیت فرهنگی (مانند سایت‌های تاریخی) و استفاده از نقشه‌برداری فرهنگی برای اطمینان از پوشش جغرافیایی بهره‌گرفت (World Bank, 2021).

۳. بسترسازی نرم

بسترسازی نرم^۲ به آماده‌سازی غیرفیزیکی مانند نهادها، قوانین، آموزش و ظرفیت‌سازی فرهنگی اشاره دارد. در مرحله اجرا، این شاخص ارزیابی می‌کند که آیا سیاست‌های هویت فرهنگی با تقویت نهادهایی مانند شوراهای محلی یا برنامه‌های آموزشی برای حفظ خرده فرهنگ‌ها، زبان‌ها و نیازهای بومی و محلی حمایت می‌شوند. برای نمونه، برای خط‌مشی حمایت از شخصیت‌های تاریخی فرهنگی محلی، قبل از همه باید، مقررات و رویه‌های مربوط به چنین برنامه‌ای وجود داشته باشد تا مردمان آن محل در چارچوب آن مقررات و فارغ از هرگونه دخالت گروه‌ها و افراد بیرون از آن محل، بتوانند برنامه‌های خود را طراحی و اجرا نمایند. می‌توان گفت: بسترسازی نرم شامل آموزش تعاملات هم‌پذیری و احترام اجتماعی، مذهبی، رسانه‌های مستقل و مشارکت جامعه برای ترویج هویت مشترک است که به کاهش تعارضات اجتماعی کمک می‌کند. ضعف هماهنگی بین‌وزارتی و فساد فراگیر می‌تواند اجرای

1. Spatial Appropriateness

2. Soft Infrastructure Preparation

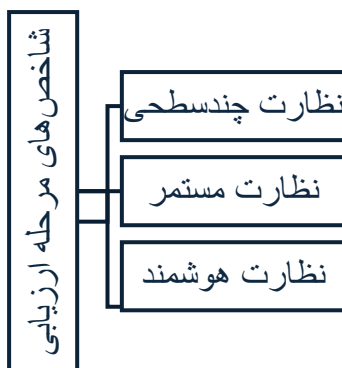
خط‌مشی‌ها را مختل کند. برای بهبود، بر ظرفیت‌سازی محلی مانند آموزش امامان و رسانه‌ها تمرکز نمود (SIGAR, 2018).

۴. بسترسازی سخت

بسترسازی سخت^۱ شامل آماده‌سازی فیزیکی مانند ساختمان‌های فرهنگی، جاده‌ها و فناوری‌های ارتباطی است. در افغانستان، این شاخص ارزیابی می‌کند که آیا اجرای سیاست با زیرساخت‌هایی مانند موزه‌ها یا شبکه‌های دیجیتال برای حفظ میراث فرهنگی همخوانی دارد. این شاخص دربردارنده پروژه‌های مانند بازسازی بناهای تاریخی و گسترش شبکه‌های ارتباطی برای دسترسی فرهنگی است که باید با نیازهای روستایی-شهری هماهنگ باشد (World Bank, 2021). سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های مقاوم مانند انرژی تجدیدپذیر برای مراکز فرهنگی از مهم‌ترین راهکارها برای اجرای سازی خط‌مشی هویت فرهنگی است.

ک) شاخص‌های مرحله ارزیابی

مرحله ارزیابی، که پس از اجرا قرار دارد، شامل جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل نتایج و پیشنهاد تعدیلات است تا سیاست‌های هویت فرهنگی، مانند حفظ میراث، ترویج زبان‌ها و سنت‌ها با تنوع قومیتی افغانستان همخوانی داشته باشند. نظارت چندسطحی، مستمر و هوشمند به‌عنوان شاخص‌های کلیدی ارزشیابی خط‌مشی هویت فرهنگی در مرحله ارزیابی، نقش حیاتی در سنجش اثربخشی، پایداری و انطباق سیاست‌ها با واقعیت‌های فرهنگی و اجتماعی کشور ایفا می‌کنند.



شکل ۴. شاخص‌های مرحله ارزیابی

¹. Hard Infrastructure Preparation

این شاخص‌ها بر پایه اصول ارزیابی مشارکتی و داده‌محور، به سیاست‌گذاران کمک می‌کنند تا از ناکارآمدی‌ها جلوگیری کنند و سیاست‌ها را برای شرایط پیچیده افغانستان، بهینه‌سازی نمایندند (Jahid, 2019).

۱. نظارت چندسطحی

نظارت چندسطحی^۱ به معنای ارزیابی سیاست در سطوح مختلف از محلی تا ملی و حتی بین‌المللی است. این شاخص ارزیابی می‌کند که آیا خط‌مشی هویت فرهنگی مانند برنامه‌های آموزشی برای حفظ فرهنگ اقوام در سطوح روستایی، استانی و ملی به طور هماهنگ نظارت می‌شود یا خیر؛ برای مثال، در سیاست‌های آموزشی مرتبط با هویت فرهنگی، عوامل خانگی مانند سطح سواد سرپرست خانوار بیشتر از عوامل روستایی بر نتایج تأثیرگذار است که باید در نظارت بر سیاست‌های فرهنگی مورد توجه واقع شود (Trani et al., 2019). ظرفیت ضعیف در سطوح فرعی ملی، مانند ولایت‌ها، و عدم هماهنگی بین وزارتخانه‌ها از مسایل مهمی است که می‌تواند به نادیده گرفتن صدای جوامع محلی در حفظ هویت فرهنگی منجر شود. برای مقابله با این مسایل باید به تقویت نظارت و ارزیابی در سطوح ولایتی از طریق آموزش محلی و ایجاد مجمع‌های ملی برای تبادل دانش پرداخت تا به ارزیابی فراگیرتر سیاست‌های فرهنگی کمک کند (Jahid, 2019).

۲. نظارت مستمر

نظارت مستمر^۲ بر ارزیابی مداوم و زمان‌دار با استفاده از ابزارهای دیجیتال برای جمع‌آوری داده‌های واقعی زمان و بازخوردهای مداوم تأکید دارد. این شاخص بررسی می‌کند که آیا اجرای برنامه‌های فرهنگی با توجه به تغییرات اجتماعی مانند مهاجرت به طور پیوسته نظارت شده و تعدیل می‌شود. روش‌های ترکیبی مانند نظرسنجی‌های موبایل و تصاویر GPS امکان شناسایی روندها و تنظیمات سریع را فراهم می‌کند. برای نمونه، استفاده از WhatsApp برای گزارش‌های هفتگی می‌تواند نظارت بر فعالیت‌های فرهنگی را تسهیل کند (Ali, 2025). البته محدودیت‌های امنیتی و جنسیتی دسترسی مداوم به داده‌ها، به‌ویژه در مناطق روستایی را مختل می‌کند. برای بهبود، پیشنهاد می‌شود از شبکه‌های جامعه‌محور و ابزارهای دیجیتال

1. Multi-Level Monitoring

2. Continuous Monitoring

مناسب برای نظارت مداوم استفاده شود که می‌تواند تقاضا برای داده‌های فرهنگی را افزایش دهد و سیاست‌ها را پایدارتر کند (Ali, 2025).

۳. نظارت هوشمند

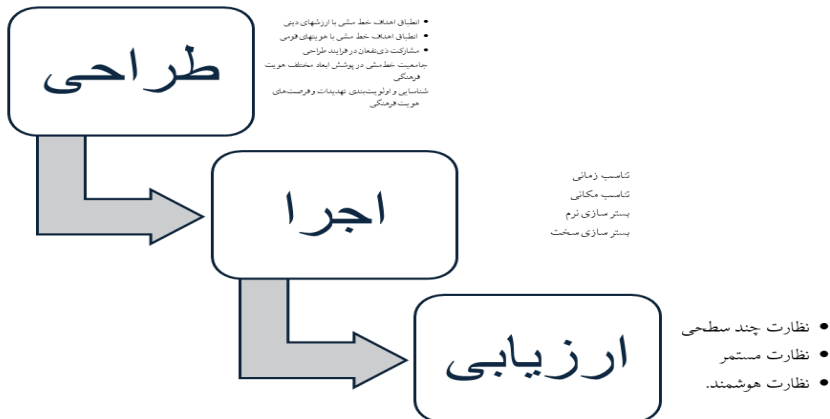
نظارت هوشمند^۱ بر استفاده از هوش مصنوعی و داده‌های بزرگ برای پیش‌بینی و تحلیل هوشمند نتایج سیاست تمرکز دارد. این شاخص ارزیابی می‌کند که آیا سیاست‌های هویت فرهنگی با ابزارهای AI (مانند پیش‌بینی تهدیدها به میراث فرهنگی) نظارت می‌شوند. در این شاخص از داده‌های عمومی مانند رسانه‌های اجتماعی برای شناسایی الگوها استفاده می‌شود و می‌تواند برای پیش‌بینی تأثیرات فرهنگی، مانند تغییرات در تعاملات اجتماعی، اعمال شود. این سیستم با دقت حدود ۷۰ درصد می‌تواند هشدارهای زودهنگام برای حفاظت فرهنگی ارائه دهد. چالش‌ها شامل کمبود داده‌های طبقه‌بندی‌نشده و ظرفیت فنی است که می‌تواند نظارت را محدود کند. برای رفع این چالش می‌توان از همکاری با متخصصان تجاری برای محیط‌های ناپایدار استفاده و به داده‌های مورد نیاز دسترسی پیدا کرد (Sopko, 2024).

نتیجه‌گیری

این مطالعه با بررسی شاخص‌های ارزشیابی خط‌مشی هویت فرهنگی در افغانستان، بر پایه چارچوب سه مرحله‌ای طراحی، اجرا و ارزیابی نشان داد که موفقیت سیاست‌های فرهنگی در جوامع چندقومیتی مانند افغانستان، وابسته به شاخص‌های بومی شده و عملیاتی است. این شاخص‌ها چنان‌که در نمودار ۵ منعکس شده، متناسب با سه مرحله طراحی، اجرا و ارزیابی خط‌مشی هویت فرهنگی، ارائه و تحلیل شد.

در مرحله طراحی، شاخص‌هایی مانند انطباق با ارزش‌های دینی و قومی، مشارکت ذی‌نفعان، شناسایی تهدیدات و فرصت‌ها، و جامعیت پوشش ابعاد هویت فرهنگی، تضمین‌کننده انطباق سیاست‌ها با واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی هستند. این شاخص‌ها با تأکید بر تنوع قومی و مذهبی، از به حاشیه راندن گروه‌ها جلوگیری و حس تعلق ملی را تقویت می‌کنند.

^۱. Intelligent Monitoring



شکل ۵. الگوی ارزشیابی خط‌مشی هویت فرهنگی

در مرحله اجرا، تناسب زمانی و مکانی، همراه با بسترسازی نرم (مانند ظرفیت‌سازی نهادها و آموزش) و سخت (مانند زیرساخت‌های فیزیکی)، اجرای مؤثر سیاست‌ها را در برابر چالش‌های جغرافیایی و زمانی افغانستان تسهیل می‌کنند. در نهایت، در مرحله ارزیابی، نظارت چندسطحی، مستمر و هوشمند، با بهره‌گیری از ابزارهای دیجیتال و داده‌محور، امکان تعدیل مداوم و پیش‌بینی نتایج را فراهم می‌آورد و پایداری فرهنگی را تضمین می‌کند.

یافته‌های این پژوهش تأکید می‌کند که رعایت و توجه به این شاخص‌ها ضمن کمک به حفظ میراث ملموس و ناملموس فرهنگی و کاهش تعارضات اجتماعی، زمینه‌ساز توسعه پایدار و انسجام ملی می‌شود. باوجود این، چالش‌هایی مانند ناامنی مداوم، ضعف هماهنگی بین‌نهادی، محدودیت‌های زیرساختی و کمبود منابع، موانعی جدی در اجرای این شاخص‌ها هستند که می‌توانند اثربخشی سیاست‌ها را کاهش دهند. برای غلبه بر این موانع، پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران بر تقویت ظرفیت‌های محلی، بهره‌گیری از فناوری‌های دیجیتال (مانند هوش مصنوعی برای نظارت هوشمند) و مشارکت گسترده ذی‌نفعان تمرکز کنند. افزون‌براین، ادغام این شاخص‌ها در اسناد ملی مانند استراتژی توسعه ملی افغانستان و گزارش‌های بانک جهانی، می‌تواند چارچوبی عملی برای ارزیابی مداوم فراهم آورد.

در نهایت، این مطالعه پرکننده خلأ پژوهشی در حوزه ارزشیابی خط‌مشی هویت فرهنگی در افغانستان است و نشان می‌دهد که بدون ارزیابی دقیق و مشارکتی، سیاست‌های فرهنگی نمی‌توانند به اهداف خود در حفظ تنوع و هویت ملی دست یابند. پیشنهاد می‌شود تحقیقات

آینده بر آزمون عملی این شاخص‌ها در مطالعات موردی محلی تمرکز کنند تا اثربخشی آن‌ها در شرایط واقعی افغانستان سنجیده شود. با اجرای این رویکرد، افغانستان می‌تواند هویت فرهنگی غنی خود را به‌عنوان پایه‌ای برای بازسازی و پیشرفت پایدار تبدیل کند.

منابع

- (۱) آشوری، داریوش (۱۳۸۶)، تعریف‌ها و مفاهیم فرهنگ، تهران، آگه، چاپ سوم.
- (۲) الوانی و شریف‌زاده (۱۳۸۵)، فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی (ره).
- (۳) اسمیت، آنتونی (۱۹۹۱)، خاستگاه‌های قومی ملت‌ها، ترجمه بهرام خداوردی (۱۳۹۵)، تهران، نشر مرکز.
- (۴) امامی میبدی، راضیه، و اشتریان، کیومرث (۱۳۹۱)، طراحی نظام ارزیابی سیاست‌های عمومی در جمهوری اسلامی ایران، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۷ (پیاپی ۲)، ص ۴۵-۸۰.
- (۵) اندرسون، بندیکت (۱۹۸۳)، جوامع خیالی: تأملاتی در خاستگاه و گسترش ملی‌گرایی، ترجمه حسن مرتضوی (۱۳۹۶)، تهران، نشر نی.
- (۶) بابایی، حبیب‌الله (۱۴۰۲)، درآمدی بر مسئله‌شناسی تمدنی جهان اسلام، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- (۷) باقری‌فرد، محمدحسین، توکلی، عبدالله، و الوانی، سیدمهدی (۱۳۹۵)، سازوکارهای تأثیرگذاری دین در فرایند سیاست‌گذاری فرهنگی (با تأکید بر مرحله تدوین)، مجله علمی پژوهشی دین و ارتباطات، دوره ۲۳، شماره ۲، شماره پیاپی ۵۰، صفحه ۵-۳۷.
- (۸) باقری، محمدرضا، پورعزت، علی‌اصغر، مظاهری، محمدمهدی، باقری‌میاب، شهلا (۱۳۹۲)، تدوین سیستم خط‌مشی‌گذاری فرهنگی آینده‌نگر با استفاده از هم‌افزایی مدل‌ها، فصلنامه علمی پژوهشی فرهنگ، دوره ۶، شماره ۲۲، صفحه ۱۳۵-۱۶۲.
- (۹) برگر، پیتر، و لاکمن، توماس (۱۹۶۶)، برساخت اجتماعی واقعیت، ترجمه فرهاد محمدحسینی (۱۳۸۷)، تهران، نشر ثالث.
- (۱۰) پارسونز، تالکوت (۱۹۵۱)، نظام اجتماعی، نیویورک، فری پرس.
- (۱۱) پورعزت، علی‌اصغر، مهدی عبدالحمید (۱۴۰۰)، ارائه الگوی ارزشیابی موفقیت خط‌مشی‌های عمومی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، شماره پیاپی ۱۸، صفحات ۷-۴۰.
- (۱۲) تسلیمی، محمد سعید (۱۳۹۶)، تحلیل فرایند خط‌مشی‌گذاری و تصمیم‌گیری، تهران، انتشارات سمت.
- (۱۳) جعفری، محمدحسن (۱۴۰۰)، تدوین خط‌مشی دینی در نظام جمهوری اسلامی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- (۱۴) دانایی‌فرد، حسن، خیرگو، منصور، آذر، عادل، فانی، علی‌اصغر (۱۳۹۱)، فهم انتقال خط‌مشی‌گذاری در ایران، پژوهشی بر مبنای راهبرد داده‌بنیاد، مدیریت فرهنگ سازمانی، دوره ۱۰، شماره ۲۶، ص ۵-۲۸.
- (۱۵) دفتر سنجش فرهنگی (۱۳۷۶)، کتاب شاخص‌های فرهنگ عمومی، تهران، نشر دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی.

- ۱۶) رحیمی، محمدرضا (۱۳۹۵)، تبیین و طراحی الگوی ارزشیابی خط‌مشی عمومی با رویکرد اسلامی، رساله دکتری، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۱۷) شفریتز، جی. ام، کریستوفر، پی. بریک (۱۳۹۰)، سیاست‌گذاری عمومی در ایالات متحده آمریک، ترجمه، حمیدرضا ملک محمدی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- ۱۸) پومختار، صدیقه، و مراشی، محسن (۱۳۹۹)، تحلیل امکان تحقق فضای سوم در نقاشی معاصر ایران بر مبنای اندیشه پسااستعماری هومی بهابها، فصلنامه علمی نگره، شماره پیاپی ۵۶، زمستان ۱۳۹۹، دوره ۱۵، صفحات ۱۰۹-۱۱۹.
- ۱۹) کریستوفر، گوردن، ماندی، سایمون (۱۳۸۳) دیدگاه‌های ارو پای سیاست فرهنگی، ترجمه هادی غبرانی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، و مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها.
- ۲۰) گیدنز، آنتونی (۱۹۹۱)، مدرنیته و خودهویتی، ترجمه ناصر موفقیان (۱۳۸۰)، تهران، نشر نی.
- ۲۱) محمدی، ررا، و فتح‌آبادی، جلیل (۱۳۹۱)، ارزشیابی کیفیت در آموزش عالی، تهران، مرکز انتشارات سازمان سنجش آموزش کشور.
- ۲۲) هابسبام، اریک، ورنجر، ترنس (۱۴۰۳) ابداع سنت، ترجمه محمد نبوی، تهران، نشر بی‌گاه.
- ۲۳) هال، استوارت، آنجلا مک رابی، تونی بنت، کرایم ترنر و ... (۱۳۸۸) درباره مطالعات فرهنگی، گردآوری و ویرایش جمال محمدی، تهران، نشر سرچشمه.
- ۲۴) هال، استوارت، برم گین (۱۳۹۴) درآمدی بر فهم جامعه مدرن، کتاب یکم صورت‌بندی‌های مدرنیته، چاپ دوم، ترجمه محمود متحد، عباس مخبر، حسن مرتضوی، مهران مهاجر و محمد نبوی، تهران، نشر آگه.
- ۲۵) هال، استوارت (۱۳۹۱)، معنا، فرهنگ و زندگی اجتماعی، ترجمه احمد گل محمدی، تهران، نشر نی
- 26) Afghanistan Analysts Network. (2021). The Silencing of Afghan Music, <https://www.afghanistan-analysts.org>.
- 27) Moradian, Davood (2016). Ethnic polarization: Afghanistan's emerging threat. <https://www.aljazeera.com>.
- 28) Barakat, S., & Wardell, G. (2002), Capitalizing on Capacities of Afghan Women: Women's Role in Afghanistan's Reconstruction and Development, *International Labor Review*, 141(4), 346-365.
- 29) Belfiore, E., & Bennett, O. (2008), *The Social Impact of the Arts: An Intellectual History*. Palgrave Macmillan.
- 30) Bhabha, H. K. (1994), *The Location of Culture*, London & New York: Routledge.
- 31) Cultural Policy and Stakeholder Engagement in Diverse Societies, *Journal of Cultural Studies*, 15(3), 45-60.
- 32) David Nachmias (1979) *Public Policy Evaluation: Approaches and Methods*, New York: St. Martin's.
- 33) Duxbury, N. (2008). Cultural Policy Evaluation: Towards a Comparative Framework. *International Journal of Cultural Policy*, 14(3), 255-270.

- 34) Dye, Thomas R. (2005), Understanding Public Policy. New Jersey: Prentice Hall Inc., E. Godin, Oxford University Press.
- 35) Dye, Thomas R. (2007), Understanding Public Policy. New Jersey: Prentice.
- 36) George Washington University Extremism Program. (2022). Ethnic Polarization and Threats to Minorities in Afghanistan,
- 37) Hatch, Mary Jo(2018) Organization Theory: Modern, Symbolic, and Postmodern Perspectives 4th Edition, Oxford University Press.
- 38) Hill, M., & Hupe, P. (2002). Implementing Public Policy: Governance in Theory and in Practice. Sage Publications.
- 39) Jenifer Brown Urban, Monica Hargreaves, William M. Rochim (2014), Evolutionary Evaluation: Implications for Evaluators, Researchers, Practitioners, Funders and the Evidence-Based Program Mandate, In " Evaluation and Program Planning, Volume 45, August 2014, Pages 127-139.
- 40) Khan, M., & Jones, L. (2021). Participatory Evaluation in Cultural Policy-Making, *Policy Studies Review*, 28(4), 112-130.
- 41) King, N., & Horrocks, C. (2010), Interviews in qualitative research, London: Sage.
- Lincoln, Y. & Guba, E. (1985), Naturalistic Inquiry, Beverley Hill, CA: Sage.
- 42) Newlines Magazine. (2022). Taliban's Cultural Destruction in Afghanistan. Press, 1979. <https://newlinesmag.com/reportage/new-threats-to-heritage-in-the-talibans-afghanistan/>
- 43) Rahimi, M. (2019). Cultural Policy in Post-Conflict Afghanistan: Challenges and Opportunities. *Journal of Afghan Studies*, 7(2), 45-62.
- 44) Rahimi, S. (2022). Digital Platforms for Inclusive Cultural Policy in Afghanistan, *International Journal of Cultural Policy*, 19(2), 78-95.
- 45) Rossi, Peter H., Mark W. Lipsey and Howard E. Freeman (2004), Evaluation: A Systematic Approach. United States, California: Sage Publication Inc.
- 46) Smith, J. (2020). Stakeholder Involvement in Policy Design. *Cultural Policy Journal*, 12(1), 23-40
- 47) Smith, L. (2010). Uses of Heritage. Routledge.
- 48) Stigter, E., & Monsutti, A. (2017). Transnational Migration and Afghan Cultural Identity. <https://scholar.google.com/>
- 49) The Art Newspaper. (2021). Digital Preservation of Afghan Heritage. <https://www.theartnewspaper.com/>
- 50) UCSF Global Health Sciences. (2022). Gender Apartheid in Afghanistan: Impacts on Cultural Identity.
- 51) UNESCO World Heritage Centre. (2023). Preservation Projects for Minaret of Jam and Bamiyan Valley.
- 52) UNESCO. (2018). Culture for Development Indicators: Afghanistan Country Report. UNESCO Publishing
- 53) UNESCO. (2021). Looting of Archaeological Sites in Afghanistan. <https://www.unesco.org/en>